

به نام خدا

صورت مسأله و تحلیل حقوقی اظهار نظر شورای نگهبان در رابطه با تبصره ۱ ماده ۲۶ قانون

تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران

مستندات قانونی نظر شورای نگهبان:

۱- به موجب اصل چهارم قانون اساسی: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

۲- به موجب ماده ۱۹ آیین نامه داخلی شورای نگهبان: «اعلام مغایرت قوانین و مقررات یا موادی از آنها با شرع با توجه به اصل چهارم قانون اساسی، در هر زمان که مقتضی باشد توسط اکثریت فقهای شورای نگهبان انجام می یابد و تابع مدّت های مذکور در اصل نود و چهارم قانون اساسی نمی باشد.»

۳- ماده ۲۶ «قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران»، شرایط داوطلبان انتخابات شوراهای را تعیین کرده است.^۱ به موجب تبصره (۱) این ماده «اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی به جای اسلام باید به اصول دین خود اعتقاد و التزام عملی داشته باشند.»

^۱ ماده ۲۶- انتخاب شونده گان هنگام ثبت نام باید دارای شرایط زیر باشند:

الف- تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران.

ب- حداقل سن ۲۵ سال تمام.

ج- اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه ی فقیه.

د- ابراز وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

هـ (اصلاحی ۱۳۸۶/۸/۲۷)- دارا بودن سواد خواندن و نوشتن برای شورای روستاهای تا دویست خانوار و داشتن مدرک دیپلم برای شورای روستاهای بالای دویست خانوار، داشتن حداقل مدرک فوق دیپلم یا معادل آن برای شورای شهرهای تا بیست هزار نفر جمعیت، داشتن حداقل مدرک لیسانس یا معادل آن برای شورای شهرهای بالای بیست هزار نفر جمعیت.

تبصره ۱ (اصلاحی ۱۳۹۶/۴/۲۰)- کسانی که سابقه ی یک دوره ی کامل عضویت اصلی شورا را دارا باشند، به شرطی که در همان حوزه ی انتخابیه نامزد شوند، از شرط مدرک تحصیلی معاف هستند.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۹۲/۱/۲۷)- هیئت های اجرایی و نظارت در صورت ضرورت، تأییدیه ی مدارک تحصیلی ثبت نام کنندگان را اخذ می نمایند.

و (الحاقی ۱۳۸۶/۸/۲۷)- دارا بودن کارت پایان خدمت نظام وظیفه یا کارت معافیت دائم از خدمت برای مردان.

ز (الحاقی ۱۳۹۶/۴/۲۰)- داشتن سلامت جسمانی در حد برخورداری از نعمت شنوایی و گویایی و سلامت روانی، حسب مورد با گواهی پزشکی قانونی.

تبصره ۱- «اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی به جای اسلام باید به اصول دین خود اعتقاد و التزام عملی داشته باشند.»

۴- نظر شماره ۹۶/۱۰۰/۲۴۰ مورخ ۹۶/۱/۲۶ فقهای شورای نگهبان: «با عنایت به اطلاعات واصله از برخی مناطق کشور که اکثریت مردم آنها مسلمان و پیرو مذهب رسمی کشور هستند و افراد غیر مسلمان در این مناطق خود را داوطلب عضویت در شوراهای اسلامی شهر و روستا نموده‌اند و با توجه به اینکه تصمیمات این شوراها در خصوص مسلمین بدون لزوم رسیدگی به آن در شورای نگهبان لازم الاتباع خواهد بود، تبصره ۱ ماده ۲۶ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ نسبت به چنین مناطقی با نص فرمایشات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی علیه‌الرحمه در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۱۲ مذکور در صحیفه نور (جلد ۶، چاپ ۱۳۷۱، صفحه ۳۱) مغایر است و لذا خلاف موازین شرع شناخته شد.»

۵- قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۲۰۱ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مقرر داشته است: «شورای نگهبان نمی‌تواند پس از گذشت مهلت‌های مقرر و رفع ایراد در نوبت اول، مجدداً مغایرت موارد دیگری را که مربوط به اصلاحیه نمی‌باشد بعد از گذشت مدت قانونی به مجلس اعلام نماید مگر در رابطه با انطباق با موازین شرعی.»

۶- به موجب ماده ۳۲ «قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران»^۱ مسئولیت برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی شهر با هیأت اجرایی و فرماندار است.

۷- به موجب ماده ۴۸ «قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران»^۲ مسئولیت اظهار نظر در رابطه با صلاحیت داوطلبان شوراهای محلی بر عهده هیأت‌های اجرایی است که البته باید مورد تأیید هیأت نظارت نیز قرار گیرد.

۸- به موجب مواد (۷۳) و (۷۴) قانون اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شوراهای مزبور مصوب ۱۳۶۵/۴/۲۹^۳ مسئولیت نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی بر عهده هیأتی

۱. ماده ۳۲ (اصلاحی ۱۳۸۲/۷/۶) - به‌منظور برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی شهر، هیأت‌اجرایی شهرستان به ریاست فرماندار و عضویت رئیس اداره ثبت‌احوال، رئیس آموزش و پرورش و هشت نفر از معتمدان در محدوده‌ی شهرستان تشکیل می‌شود.

۲. ماده ۴۸ (اصلاحی ۱۳۹۶/۴/۲۰) - نظر هیأت‌های اجرایی بخش و شهرستان مبنی بر تأیید صلاحیت داوطلبان با تأیید هیأت‌های نظارت شهرستان و بخش معتبر است و چنانچه ظرف چهارده روز از تاریخ دریافت نتیجه‌ی رسیدگی صلاحیت داوطلبان، هیأت‌نظارت مربوط درباره‌ی داوطلب یا داوطلبان نظر خود را اعلام نکند، نظر هیأت‌اجرایی ملاک عمل خواهد بود.

۳. ماده ۷۳ - به‌منظور نظارت بر امر انتخابات شوراهای، هیأت‌مرکزی نظارت بر امر انتخابات شوراهای اسلامی کشوری، متشکل از سه نفر از اعضای کمیسیون شوراها و امور داخلی و دو نفر از اعضای کمیسیون اصل (۹۰) به انتخاب مجلس شورای اسلامی تشکیل می‌گردد.

تبصره - در صورتی که به تعداد لازم کمیسیون‌های مذکور داوطلب نباشد، مجلس از میان سایر نمایندگان داوطلب ۵ نفر را انتخاب می‌نماید.

ماده ۷۴ - به‌منظور نظارت بر امر انتخابات شوراهای اسلامی کشوری در هر استان، هیأت عالی نظارت استان مرکب از سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی آن استان به تعیین هیأت‌مرکزی نظارت تشکیل می‌گردد.

تبصره - در هر استانی که تعداد نمایندگان آن از سه نفر کمتر باشد و یا به حد نصاب از آن استان داوطلب نباشد، تعیین بقیه‌ی اعضا از بین نمایندگان استان‌های مجاور با هیأت‌مرکزی نظارت می‌باشد.

متشکل از نمایندگان هر استان در مجلس شورای اسلامی و نظارت عالیه بر این انتخابات بر عهده هیأتی متشکل از سه نفر از اعضای کمیسیون شوراها و امور داخلی و دو نفر از اعضای کمیسیون اصل (۹۰) است.

صورت مسأله

- تاریخ برگزاری انتخابات شوراهای شهر و روستا، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ بوده است.
- فقهای شورای نگهبان در جلسه مورخ ۲۳ فروردین ۱۳۹۶، با استناد به اصل چهارم قانون اساسی اطلاق تبصره ۱ ماده ۲۶ «قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران» را به دلیل اینکه اجازه انتخاب اقلیت‌ها به عنوان عضو شورای شهر در مناطقی که مسلمانان اکثریت را تشکیل می‌دهند، داده است مغایر موازین شرع تشخیص می‌دهند. این نظر بیش از یک ماه قبل از انتخابات و در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۹۶ به رئیس جمهور ابلاغ شده و در تاریخ ۹۶/۱/۳۱ در روزنامه رسمی نیز منتشر شده است.
- به موجب این نظر هیچ یک از اقلیت‌های دینی نمی‌توانند در مناطقی که در آن مناطق مسلمانان اکثریت را تشکیل می‌دهند داوطلب عضویت در شوراهای شهر شوند.
- متعاقب این نظر، هیأت نظارت بر انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا در استان یزد و هیأت مرکزی نظارت علی‌رغم اینکه بر اساس نظر فقهای شورای نگهبان در خصوص تبصره ۱ ماده ۲۶ قانون شوراها جواز داوطلبی اقلیت‌ها در مناطقی که مسلمانان اکثریت هستند مغایر موازین شرع اعلام شده بود، با عدم تمکین به حکم قانون، اقدام به ادامه جریان انتخابات و پذیرش داوطلبی اقلیت‌های دینی در شهری که اکثریت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهد کردند.
- پس از برگزاری انتخابات و انتخاب یک فرد غیر مسلمان در انتخابات شورای شهر یزد، فردی که داوطلب عضویت در شورای شهر یزد بوده است با شکایت از تصمیم فرمانداری و هیأت نظارت بر انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا در استان یزد در تأیید صلاحیت فرد مذکور و عدم رعایت قانون در این خصوص، درخواست تعلیق عضویت فرد منتخب تا اتخاذ تصمیم نهایی در خصوص موضوع را نموده است.

- در تاریخ ۱۳ شهریور ۹۶ شعبه ۴۵ دیوان عدالت اداری به موضوع رسیدگی کرده و با احراز شرایط لازم قانونی اقدام به صدور دستور موقت، تعلیق عضویت فرد مذکور تا اتخاذ تصمیم نهایی نموده است.

تحلیل حقوقی موضوع:

الف) مبنای حقوقی نظر فقهای شورای نگهبان

- مبنای اعلام نظر فقهای شورای نگهبان اصل چهارم قانون اساسی است. به موجب این اصل هیچ یک از قوانین و مقررات نباید مغایر موازین شرع باشد. بر اساس اصل چهارم قانون اساسی این اصل بر **اطلاق یا عموم** اصول قانون اساسی و سایر قوانین حاکم است. مرجع تشخیص این امر به موجب تصریح ذیل اصل فقهای شورای نگهبان هستند. به موجب حکم این اصل هیچ قانونی از شمول نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان خارج نیست و فقهای شورا مرجع تشخیص مغایرت قوانین با موازین شرع هستند.
- در موضوع مورد بحث شورای نگهبان «**اطلاق**» یکی از تبصره‌های یک قانون را مغایر شرع اعلام نموده است. امری که به صراحت به موجب اصل چهارم قانون اساسی به عنوان وظیفه قانونی بر عهده فقهای شورای نگهبان نهاده شده است. در حقیقت شورای نگهبان به موجب این اصل مکلف به اعلام مغایرت قوانین مغایر شرع شده‌اند و در این موضوع نیز وظیفه خود را انجام داده‌اند.
- ممکن است گفته شود که اصل چهارم منصرف از مصوبات مجلس شورای اسلامی است و صلاحیت فقهای شورای نگهبان شامل این موارد نمی‌شود. در این رابطه باید گفت: اولاً اطلاق قوانین مقرر در اصل چهارم شامل قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی نیز می‌شود؛ ثانیاً در خصوص مصوبات مجلس شورای اسلامی نیز قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۲۰۱ قانون آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان اعلام نظر در خصوص مغایرت مصوبات با موازین شرع را فاقد مهلت دانسته است. امری که در ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان نیز مورد تصریح قرار گرفته است.
- با توجه به اینکه از ابتدای تأسیس شورای نگهبان تا کنون صرفاً در ۵ مورد اطلاق برخی از مواد و یا تبصره‌های قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی توسط فقهای شورای نگهبان به استناد اصل چهارم مغایر موازین شرع تشخیص داده شده‌اند، بیان اینکه شناسایی این صلاحیت موجب اخلال در نظم عمومی می‌شود فاقد وجه است. البته باید این نکته را مورد توجه قرار داد که در بسیاری از کشورها، صلاحیت مراجع مشابه شورای نگهبان، پسینی است و مراجعی که صلاحیت نظارت بر قوانین را

دارند غالباً مدتها بعد از لازم الاجرا شدن یک قانون آن را مغایر قانون اساسی تشخیص می‌دهند. امری که در کشور ما در خصوص نظارت قضایی بر مصوبات توسط دیوان عدالت اداری و یا نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولتی نیز به همین نحو پیش بینی شده است و این مراجع مصوبات دولتی را پس از گذشت مدتی و در بسیاری از موارد پس از گذشت سالها اقدام به اعلام مغایرت مصوبات دولتی و ابطال آنها می‌نمایند.

- نکته دیگر قابل توجه اینکه باید بین **اظهار نظر فقهای شورای نگهبان** بر اساس و به استناد اصل چهارم قانون اساسی (نظارت بر شرعی بودن قوانین و مقررات) و **نظارت شورای نگهبان** بر انتخابات موضوع اصل ۹۹ قانون اساسی تفکیک قائل شد و این نکته را مورد توجه قرار داد که اعلام نظر شورای نگهبان در رابطه با تبصره ۱ ماده ۲۶ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران به استناد اصل چهارم قانون اساسی صورت گرفته است و ارتباطی به بحث صلاحیت نظارت بر انتخابات توسط شورای نگهبان ندارد. برخی بدون توجه به این تفکیک با استناد به اینکه نظارت بر انتخابات شوراها بر عهده مجلس شورای اسلامی است به اعلام مغایرت تبصره ۱ ماده ۲۶ با موازین شرع ایراد گرفته اند که این دو موضوع ارتباطی به هم ندارد.

- ممکن است بیان شود که به موجب اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی برای اظهار نظر شورای نگهبان در خصوص مصوبات مجلس شورای اسلامی مهلت زمانی در نظر گرفته شده است و فقهای شورای نگهبان مجاز نیستند در خصوص مصوبات مجلس پس از گذشت حداکثر بیست روز اظهار نظر نمایند.

در پاسخ باید گفت که اولاً اصول ۹۴ و ۹۵ در خصوص مصوبات مجلس شورای اسلامی است. هنگامی که مهلت‌های مذکور در اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی به اتمام برسد و شورای نگهبان مصوبه را مغایر موازین شرع یا قانون اساسی تشخیص ندهد، مصوبه تبدیل به قانون شده و لازم الاجرا می‌شود. بر اساس اصل چهارم قانون اساسی فقهای شورای نگهبان صلاحیت اعلام مغایرت قوانین با موازین شرع را دارند. به همین دلیل نیز می‌توانند قوانین مصوب مجلس را که پیش از قانون شدن به استناد اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی و به عنوان مصوبه مجلس مورد نظارت قرار داده بودند به استناد اصل چهارم مورد نظارت شرعی قرار دهند. ثانیاً حتی اگر بپذیریم که مهلت‌های موضوع اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی مهلت زمانی بررسی را تعیین کرده است، فقهای شورای نگهبان به استناد اصل چهارم قانون اساسی در خصوص اعلام مغایرت شرعی اطلاق اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی را مقید کرده‌اند. بر این اساس شورای نگهبان مکلف است در رابطه با مصوبات مجلس حداکثر ظرف بیست

روز اظهار نظر نماید، ولی اطلاق این اصل شامل اعلام مغایرت شرعی مصوبه توسط فقهای شورای نگهبان به موجب اصل چهارم قانون اساسی نمی‌شود.

- استناد به اصل چهارم قانون اساسی و اعلام مغایرت قوانین با موازین شرع و عدم اعتبار آنها از روزهای ابتدایی فعالیت شورای نگهبان انجام می‌شده و شورای نگهبان در پاسخ به نامه شورای عالی قضایی^۱ در نظر تفسیری شماره ۱۹۸۳ مورخ ۱۳۶۰/۲/۸ بیان داشته است: «مستفاد از اصل چهارم قانون اساسی این است که به طور اطلاق کلیه قوانین و مقررات در تمام زمینه‌ها باید مطابق موازین اسلامی باشد و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است. بنابراین قوانین و مقرراتی را که در مراجع قضایی اجرا می‌گردد و شورای عالی قضایی آنها را مخالف موازین اسلامی می‌داند، جهت بررسی و تشخیص مطابقت یا مخالفت با موازین اسلامی برای فقهاء شورای نگهبان ارسال دارید.» در خصوص قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی نیز این موضوع مسبوق به سابقه بوده و امری جدید نیست از جمله فقهای شورای نگهبان به موجب نظر شماره ۷۵/۲۱/۱۵۲۸ مورخ ۷۵/۱۲/۱۴، ماده ۲۵۲ قانون مجازات اسلامی را مغایر موازین شرع تشخیص داده‌اند.

ب) عملکرد هیأت نظارت بر انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا در استان یزد و هیأت مرکزی نظارت و رئیس مجلس شورای اسلامی

- با توجه به زمان اعلام نظر فقهای شورای نگهبان و مهلتی که تا زمان برگزاری انتخابات (بیش از یک ماه) وجود داشته است، وظیفه اجرای نظر فقهای شورای نگهبان و ترتیب اثر دادن به این نظر بر عهده هیأت نظارت بر انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا در استان یزد و هیأت مرکزی نظارت بوده که متأسفانه هیچ‌یک از این مراجع به تکلیف قانونی خود عمل نکرده‌اند و

^۱. شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اجرای قوانین و تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های گذشته که برخلاف موازین اسلام است و صدور حکم بر طبق آنها در محاکم، به خصوص با توجه به اصل چهارم و اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی به هیچ عنوان موجه نیست.

این نظر به شورای عالی قضایی پیشنهاد شده که با توجه به این دو اصل، همه قوانین و تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های خلاف اسلام، منسوخ و محاکم موظفند طبق اصل یکصد و شصت و هفتم بر طبق موازین اسلام رأی دهند و این موازین به وسیله شورای عالی قضایی طبق فتوای امام استخراج و به دادرها و دادگاه‌های انقلاب و دادرها و دادگاه‌های دیگر ابلاغ گردد و به این ترتیب تا تصویب لوایح قانونی در مجلس شورای اسلامی جلوی اجرای احکام خلاف اسلام گرفته شود.

خواهشمند است نظر آن شورا را کتباً اعلام فرمائید...

موجب تضییع احتمالی حقوق عضو منتخب و شهروندان یزد شده‌اند که این موضوع باید توسط مراجع نظارتی مربوطه مورد رسیدگی قرار گرفته و تصمیم مقتضی در رابطه با آنها اتخاذ شود.

ج) مبنای عملکرد دیوان عدالت اداری

- برخلاف غالب نظام‌های حقوقی که بحث در رابطه با پرونده‌های جریانی دستگاه قضا در محافل عمومی و رسانه‌ای و یا حتی دانشگاهی به دلیل تحت فشار قرار دادن قاضی و تأثیر بر تصمیم‌گیری و حکم وی امری متداول و مطلوب نیست، پس از صدور دستور موقت شعبه ۴۵ دیوان عدالت اداری در خصوص موضوع، مقامات رسمی و غیر رسمی و همچنین حقوقدانان و غیر حقوقدانان به تخطئه قاضی محترم پرونده و بعضاً دیوان عدالت اداری پرداختند که موضوعی قابل تأمل بوده و نیازمند چاره‌جویی است؛ به نحوی که دستگاه قضا به دور از فشار رسانه‌ای به بررسی موضوع پرداخته و نظر خود را در خصوص موضوع اعلام نماید. لازم به ذکر است که این روند اختصاص به این پرونده ندارد و در بسیاری از پرونده‌ها، مقاماتی اعم از قضایی و غیر قضایی و سایر افراد به نقد و تخطئه و اعلام موضع در خصوص موضوعات در جریان رسیدگی می‌پردازند که بر روند رسیدگی و تصمیم‌گیری در خصوص موضوع تأثیرگذار است. البته این به معنای مصونیت آراء قضایی از نقد نیست، ولی باید تصمیمی گرفته شود تا بتوان پس از فراغت دادرسی از رسیدگی به موضوع، رأی صادره را مورد بررسی و نقد قرار داد.

- به موجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی، دیوان عدالت اداری مرجع رسیدگی به تظلمات شهروندان نسبت به تصمیمات و اقدامات نهادهای عمومی و احقاق حقوق شهروندان در این زمینه‌ها است. به موجب این اصل شهروندان می‌توانند از تصمیمات اداری نهادهای عمومی به دیوان عدالت اداری شکایت نمایند و دیوان نیز صلاحیت رسیدگی و صدور حکم در این رابطه را دارد.

- پس از برگزاری انتخابات و انتخاب یک فرد غیر مسلمان در انتخابات شورای شهر یزد، فردی که داوطلب عضویت در شورای شهر یزد بوده است با شکایت از تصمیم فرمانداری و هیأت نظارت بر انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا در استان یزد در تأیید صلاحیت فرد مذکور و عدم رعایت قانون در این خصوص، با شکایت به دیوان عدالت اداری درخواست تعلیق عضویت فرد منتخب تا اتخاذ تصمیم نهایی در خصوص موضوع را نمود.

- فرماندار یک مقام اجرایی است که تصمیمات، اقدامات و یا عدم انجام وظایف وی می‌تواند مورد شکایت شهروندان در دیوان عدالت اداری قرار بگیرد و دیوان نیز صلاحیت رسیدگی به شکایات علیه وی را دارد.
- هیأت‌های استانی نظارت بر انتخابات شوراهای و هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای مراجعی عمومی هستند که قانونگذار صلاحیت نظارت بر انتخابات شوراهای را بر عهده آنها قرار داده است. تصمیمات این مراجع نیز باید قابل دادخواهی در مراجع قضایی باشد و دیوان نیز به عنوان مرجع قضایی که صلاحیت رسیدگی به شکایات و اعتراض‌ها علیه مقامات و مراجع عمومی را دارد، صلاحیت رسیدگی به شکایات از تصمیمات هیأت‌های نظارت بر انتخابات شوراهای را نیز بر عهده دارد. در خصوص امکان دادخواهی نسبت به تصمیمات هیأت‌های نظارت و تأثیر نتیجه رسیدگی قضایی در نتیجه انتخابات شوراهای نیز لازم به ذکر است که شورای نگهبان تبصره ۳ ماده ۶۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، را که مقرر می‌داشت: «رسیدگی به شکوائیه داوطلبان مربوط به سیر انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا توسط مراجع قضائی تأثیری در نتیجه بررسی صلاحیت‌ها و نتیجه انتخابات توسط هیأت مرکزی نظارت ندارد.» را مغایر اصل ۱۵۶ در خصوص وظایف قوه قضاییه مبنی بر اجرای احکام صادره از مراجع قضایی تشخیص داد؛ امری که موجب شد مجلس شورای اسلامی در راستای تأمین نظر شورای نگهبان اقدام به حذف این تبصره نماید.
- به موجب ماده ۳۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، «در صورتی که شاکی ضمن طرح شکایت خود یا پس از آن مدعی شود که اجرای اقدامات یا تصمیمات یا آراء قطعی یا خودداری از انجام وظیفه توسط اشخاص و مراجع مذکور در ماده (۱۰) این قانون، سبب ورود خسارتی می‌گردد که جبران آن غیرممکن یا متعسر است، می‌تواند تقاضای صدور دستور موقت نماید.» بر اساس این ماده هر شهروند ضمن شکایت خود می‌تواند درخواست صدور دستور موقت در خصوص موضوع را بنماید. به موجب ماده ۳۵ این قانون، «شعبه رسیدگی‌کننده در صورت احراز ضرورت و فوریت موضوع، برحسب مورد، دستور موقت مبنی بر توقف اجرای اقدامات، تصمیمات و آراء مزبور یا انجام وظیفه، صادر می‌نماید.» بر اساس این ماده مرجع تشخیص اینکه آیا صدور دستور موقت ضروری است یا نه، خود قاضی رسیدگی‌کننده است. در خصوص پرونده موضوع بحث نیز قاضی پرونده این ضرورت را تشخیص داده و بر طبق اختیارات قانونی اقدام به صدور دستور موقت نموده است. البته دستور موقت تأثیری در اصل

دعوا نداشته و قاضی می‌تواند در تصمیم‌گیری ماهوی در خصوص موضوع حکم به رفع اثر از دستور موقت نماید.